

در پاسخ به بحران زیست محیطی ملی خشک شدن دریاچه ارومیه، بهره‌گیری از راهکارهای حکمرانی مطلوب و مدیریت بهینه منابع آب نقش حیاتی دارد و باید در اولویت برنامه‌های احیای دریاچه قرار بگیرد. تجربه‌های گذشته نشان داده‌اند که حتی بهترین طرح‌ها نیز در نبود حکمرانی و مدیریت مؤثر و هماهنگی نهادی به شکست می‌انجامد؛ اما با پایبندی به اصول مذکور، احیای پایدار دریاچه نیز در دسترس خواهد بود. در واقع، بدون اصلاح ساختارهای تصمیم‌گیری، ارتقای بهره‌وری در مصرف آب و جلب مشارکت واقعی مردم، نمی‌توان به پایداری فرآیند احیای دریاچه ارومیه امیدوار بود؛ چنانکه در سال‌های اخیر نیز عدم پایداری در این فرآیند و ائتلاف بودجه و زمان اختصاصی را شاهد بود‌ایم. در نتیجه، این امر تنها با تکیه بر حکمرانی هوشمند، مشارکتی، شفاف و پایدار امکان‌پذیر است و ترکیب دانش علمی، عدالت در تخصیص منابع، مشارکت ذی‌نفعان محلی و برنامه‌ریزی بلندمدت، شرط لازم برای حفظ بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران است. مدیریت منابع آب در این حوضه نیز باید از حالت متمرکز و بخشی خارج شود و به سوی یک رویکرد جامع، علمی و مشارکتی سوق پیدا کند؛ رویکردی که بتواند از طریق کنترل برداشت‌های غیرمجاز، اصلاح الگوهای مصرف و بازگرداندن حق آبه زیست محیطی، روند خشک شدن دریاچه ارومیه را متوقف کند و مسیر احیای آن راهموار سازد. در همین راستا، ذیل‌نقش هریک از اصول حکمرانی مطلوب و مدیریت بهینه منابع آب در راستای احیای دریاچه ارومیه ذکر شده است؛ برای تقویت مشارکت شهروندان و جوامع محلی در فرآیند احیای دریاچه ارومیه ضروری است که کشاورزان، روستاییان، شوراهای محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد در سیاست‌گذاری و اجرای پروژه‌ها نقش فعال‌تری داشته باشند. در این راستا، تشکیل شوراهای مردمی آب و تشکل‌های آب‌بران می‌تواند زمینه‌ساز نظارت محلی و مدیریت جمعی منابع آب شود و الگوهای مشارکتی در سطح حوضه‌های فرعی‌تر دریاچه ارومیه را تقویت کند. آموزش جوامع محلی در زمینه مدیریت پایدار منابع آب و راهکارهای معیشت جایگزین همراه با فرهنگ‌سازی عمومی درباره بحران آب و نقش مردم در احیای دریاچه ارومیه از دیگر اقدامات کلیدی است که می‌تواند به تقویت مشارکت عمومی بینجامد. در همین راستا، توسعه مشاغل جایگزین کشاورزی همچون گردشگری، خدمات و صنایع دستی به کاهش فشار بر منابع آب و بهبود معیشت ساکنان منطقه منجر خواهد شد که مشارکت و همراهی آنان در تحقق این امر ضروری است. برای تحقق حاکمیت قانون و تخصیص عادلانه منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه، اجرای دقیق قوانین موجود در حوزه محیط زیست و آب، به‌ویژه جلوگیری از برداشت‌های غیرمجاز و حفاظت از حق آبه دریاچه ضروری است. برخورد قاطع با چاه‌های غیرمجاز و مصرف بی‌رویه منابع آب باید در اولویت نهادهای نظارتی قرار گیرد. در این راستا، اصلاح قوانین مربوط به تخصیص آب با تأکید بر اولویت زیست‌محیطی دریاچه ارومیه از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین تعیین حق آبه زیست‌محیطی مشخص برای دریاچه و الزام قانونی برای تأمین آن در همه شرایط اقلیمی، یکی از ارکان کلیدی سیاست‌های آبی آینده خواهد بود. این امر مستلزم بازنگری در نظام تخصیص آب به بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت و شرب و قوانین موجود در این زمینه با در نظر گرفتن اولویت حفاظت از محیط‌زیست دریاچه و حوضه است. ایجاد بسته‌هایی برای گفت‌وگوی اجتماعی میان دولت، دانشگاه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، جوامع محلی و سایر گروه‌های ذی‌نفع می‌تواند به ارتقای تفاهم، همگرایی، وفاق و اجماع در سطح حوضه کمک کند. در این مسیر، استفاده از ظرفیت نخبگان بومی علمی، فرهنگی و مذهبی نیز می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد وفاق عمومی و پیشرد اهداف در راستای احیای دریاچه ارومیه ایفا کند. به طور کلی، گفت‌وگو و توافق میان ذی‌نفعان مختلف از بخشی دولتی گرفته تا بخش خصوصی در کنار درک منافع آن‌ها متضاد استان‌ها و حتی شهرستان‌های مختلف واقع در حوضه دریاچه ارومیه و تلاش برای یافتن راه‌حل‌های معتدل از ملزومات دستیابی به حکمرانی پایدار و عادلانه منابع آب در این حوضه است. لازم است در سیاست‌های کاهش مصرف آب به حقوق اقشار آسیب‌پذیر به‌ویژه کشاورزان کم‌درآمد توجه ویژه‌ای شود و حمایت‌های اقتصادی و تسهیلات کافی برای روستاییانی که الگوی کشت خود را به شیوه‌ای پایدار تغییر می‌دهند، در نظر گرفته شود. همچنین توزیع منابع مالی مرتبط با پروژه‌های احیا باید به صورت متصفان بین استان‌ها و شهرستان‌های سطح حوضه انجام شود. کنترل برداشت‌های غیرمجاز از منابع آب سطحی و زیرزمینی همچون رودخانه‌ها و چاه‌ها باید با ابزارهای قانونی و نظارتی تقویت و عدالت در این زمینه بین همه بهره‌برداران برقرار شود. در کنار این موارد، تدوین طرح‌های تخصصی و توزیع آب باید مبتنی بر داده‌های علمی، مطالعات هیدرولوژیک و نیاز واقعی مناطق و محصولات انجام گیرد تا تعادلی پایدار و عادلانه میان بهره‌برداری در بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت، شرب و حفاظت از منابع آب حاصل شود. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین همچون سنجش از دور، تصاویر ماهواره‌ای، سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی و هوش مصنوعی نقش کلیدی در این زمینه دارد. این فناوری‌ها امکان پایش دقیق و مستمر منابع آب سطحی و زیرزمینی، تغییرات سطح دریاچه، پوشش گیاهی و الگوهای مصرف آب را فراهم می‌سازند. از این طریق می‌توان اثربخشی و کارایی برنامه‌های مدیریت منابع آب را جهت احیای دریاچه ارومیه ارتقا داد. همچنین مدل‌سازی علمی آب و اقلیم از جمله مدل‌سازی‌های هیدرولوژیک و اقلیمی، ابزارهایی ضروری برای پیش‌بینی تأثیر سیاست‌ها و تغییرات آب‌وهوایی و اتخاذ تصمیم‌های دقیق در زمینه تخصیص منابع به شمار می‌آیند. در این راستا، راه‌اندازی سامانه‌های پایش هوشمند با داده‌های زنده، زمینه‌ساز مدیریت پویا و واکنش سریع به تحولات زیست محیطی در راستای ارتقای اثربخشی و کارایی برنامه‌های در دست اجرا جهت احیای دریاچه ارومیه هستند.

معامله پوتین و ترامپ

بر سر زنگزور



در آینده پایگاه‌های اسرائیل در مرز آذربایجان بیشتر فعال خواهند شد

ایران نباید در کریدور زنگزور خود را گرفتار جبهه جدیدی کند



خود را درباره مداخله خارجی در مجاورت مرزهای مشترک با ارمنستان ابراز کرده است. علی اکبر ولایتی مشاور مقام رهبری در این زمینه گفت: «مگر قفقاز جنوبی یک منطقه بی‌صاحب است که ترامپ آن را اجاره کند؟ قفقاز یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیایی دنیاست و این گذرگاه نه به دلالتی در مالکیت ترامپ، بلکه به گورستانی برای مزدوران ترامپ تبدیل خواهد شد.» از سوی دیگر منطقه زنگزور در جنوب ارمنستان دارای اهمیت ژئوپلیتیکی و اقتصادی قابل توجهی است و به ویژه از نظر دسترسی به منابع انرژی و مسیرهای انتقال انرژی حائز اهمیت است. این منطقه به عنوان یک گذرگاه حیاتی برای خطوط لوله نفت و گاز عمل می‌کند و می‌تواند نقش مهمی در امنیت انرژی منطقه ایفا کند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این توافق و پیامدهای اقتصادی و امنیتی آن برای ایران با دکتر علی بیگدلی استاد دانشگاه و تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

کردند. البته وضعیت عراق با آذربایجان متفاوت است، اما این احتمال وجود دارد که در آینده پایگاه‌های بیشتری از اسرائیل در آذربایجان فعال شود. این وضعیت حتی ممکن است درباره پایگاه‌های آمریکایی نیز وجود داشته باشد. به همین دلیل باید عنوان کرد اگر ایران تحرکی نداشته باشد، این توافق می‌تواند موقعیت امنیتی ایران را تضعیف کرده و فرصت و شرایط را برای آمریکا و اسرائیل در آسیب وارد کردن به ایران فراهم کند. از آنجا که دو کشور ارمنستان و آذربایجان در این توافق حاضر بوده‌اند، در نگاه اول از نظر حقوق بین‌المللی کار خاصی نمی‌توان کرد و توافق بین چند کشور مستقل صورت گرفته است. کسانی که در این روزها عنوان می‌کند ایران مانع این توافق خواهد شد، به دلیل اهمیت موضوع است، اما در اینکه بتوان کاری انجام داد... باید واقع‌بینانه به موضوع نگاه کرد. از سوی دیگر این وضعیت نشان می‌دهد که سفر دیپلماتیک به آذربایجان برای جلوگیری از شکل‌گیری این توافق موفقیتی نداشته و سندهایی که امضا شده برای حفظ روابط همسایگی بوده است. نکته مهم این است که صرف نظر از سخنانی که برای آرام کردن فضا گفته می‌شود، این احتمال را نباید از نظر دور کرد که حرکت غیراصولی ممکن است ایران را وارد جبهه جدید کند.

صرف نظر از سخنانی که برای آرام کردن فضا گفته می‌شود، این احتمال را نباید از نظر دور کرد که حرکت غیر اصولی ممکن است ایران را وارد جبهه جدید کند

روسیه در این توافق چه نقشی دارد و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

روسیه پس از اینکه در سال ۱۹۹۱ این مناطق را از دست داد و به سرزمین کنونی خود رسید، به این وضعیت رضایت داده است. با این وجود اوکراین برای روسیه اهمیت زیادی دارد و از گذشته و در زمان پتر کبیر به دنبال دسترسی به آب‌های آزاد از طریق اوکراین بوده است. این در حالی است که در شرایط کنونی دسترسی روسیه به آب‌های آزاد بسیار محدود است و تنها دریای بالتیک وجود دارد که روسیه می‌تواند با اروپا ارتباط داشته باشد. در سال ۲۰۱۴ که روسیه شبه جزیره کریمه را اشغال کرد توانست راهی برای خود باز کند که در این مسیر گردش تجاری خود را انجام بدهد. با این وجود اشغال کامل اوکراین می‌تواند دسترسی روسیه را از طریق دریا به شرق اروپا، شمال آفریقا و آسیا هموار کند. در چنین شرایطی آمریکا باید ۴۰ درصد خاک اوکراین که توسط روسیه اشغال شده را به رسمیت بشناسد که به نظر می‌رسد این اتفاق رخ خواهد داد. همچنین اوکراین باید بپذیرد که عضو ناتو نشود که با توجه به شرایط پیش آمده محتمل به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی آمریکا و روسیه در یک معامله به اهداف خود در کریدور زنگزور و اوکراین دست پیدا می‌کنند.

واقعیت این است که اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی منطقه دست آمریکا افتاده و ترامپ از جانب روسیه خیالتش راحت است و به ازای این موقعیتی که در این منطقه به دست آورده در اوکراین به روسیه امتیاز خواهد داد

آذربایجان از همین طریق به اسرائیل ارسال خواهد شد. آمریکا اعلام کرده که هیچ کشوری حق پیاده کردن نیروی نظامی را در این منطقه ندارد. واقعیت این است که اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی منطقه دست آمریکا افتاده و ترامپ از جانب روسیه خیالتش راحت است و به ازای این موقعیتی که در این منطقه به دست آورده در اوکراین به روسیه امتیاز خواهد داد. به همین دلیل آمریکا تلاش می‌کند حضور ۹۹ ساله خود را در منطقه تثبیت کند.

این توافق چه مخاطراتی برای ایران دارد؟

مخاطرات اقتصادی این توافق چندان مهم نیست. در گذشته ما می‌توانستیم ترانزیت خود را از طریق گرجستان به سمت دریای سیاه هدایت کنیم و از آن طرف به سمت اروپا ارسال کنیم. در شرایط کنونی سهمی به ایران در این توافق داده نشده و راهی برای ایران برای ورود به این مسیر در نظر گرفته نشده است. واقعیت این است که آنچه برای ایران اهمیت دارد، مسائل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی است. در شرایط کنونی آمریکا در شمال، غرب و جنوب ایران حضور دارد. از سوی دیگر اسرائیل حضور فعال‌تری در آذربایجان خواهد داشت. همه این اتفاقات باعث خواهد شد که مخاطرات امنیتی این توافق بیشتر از مسائل اقتصادی آن باشد. در واقع آنچه رخ داده این است که تلاش کرده‌اند ایران را در یک تله استراتژیک گرفتار کنند.

در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل از طریق مرزهای آذربایجان فعالیت‌هایی را علیه ایران انجام داد. آیا با توجه به اینکه مطابق توافق انجام شده، این کریدور در اختیار آمریکا قرار می‌گیرد، در صورت بروز تنش و درگیری بین ایران و اسرائیل این منطقه نمی‌تواند برای ایران آسیب‌های بیشتری به همراه داشته باشد؟

قطعاً این اتفاق رخ خواهد داد و این اتفاق می‌تواند مخاطرات امنیتی ایران را در مرز آذربایجان تشدید کند. در جنگ ۱۲ روزه برخی مناطق ایران مانند مشهد و شاهرود از مرز آذربایجان مورد هدف قرار گرفت و اسرائیل از این محدودده برای ضربه زدن استفاده کرد. بدون تردید در شرایطی که این منطقه در اختیار آمریکا به عنوان متحد اسرائیل قرار بگیرد فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل افزایش پیدا خواهد کرد. این وضعیت درباره عراق نیز وجود دارد و برخی از جنگنده‌های اسرائیل از طریق آسمان عراق به ایران نزدیک شدند و حتی در مسیر سوخت‌گیری

فدا حسین مالکی:

ارمنستان در قبال تحولات قفقاز پاسخگو باشد

قرار خواهد گرفت و واکنش جدی کشورهای منطقه از جمله ایران و روسیه را در پی خواهد داشت. مالکی در پایان و در جمع‌بندی گفت: موضع جمهوری اسلامی ایران به توافق این است که ما تغییر مرزها را نمی‌پذیریم و باید ارمنستان پاسخگو باشد همچون آمریکا در مسیر ۴۳ کیلومتری آمده است یا خیر باید ارمنستان درباره این موارد به کشورهای همسایه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران پاسخگو باشد.

و سیاست خارجی مجلس بیان کرد: هر چند ماهیت این اتفاق در ظاهر این است که ارمنستان مسیری در اختیار آذربایجان قرار داده تا به نخجوان متصل شود و شرکت‌های خصوصی آمریکایی نیز در آن دخیل هستند اما در واقع ما به شدت نگران هستیم و باید دستگاه دیپلماسی کشور نیز فعالیت جدی داشته باشد. وی افزود: تاکنون جزئیات و مصادیق این توافق نامه علنی نشده و قطعاً این موضوع در دستور کار وزارت امور خارجه

اظهار کرد: البته ایران همواره به دنبال رفع مناقشات میان دو کشور همسایه آذربایجان و ارمنستان بوده است. در نشست‌های متعدد تلاش شد تا زمینه حل مشکلات آن‌ها فراهم شود اما ورود آمریکایی‌ها به این موضوع با هدف سوءاستفاده از شرایط، به نوعی تعرض به جمهوری اسلامی ایران، روسیه و ترکیه است چون رفع مشکلات و مناقشات باید توسط خود کشورهای قدرتمند منطقه انجام شود. این عضو کمیسیون امنیت ملی

یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به توافق جمهوری آذربایجان و ارمنستان و تحولات قفقاز جنوبی گفت: جمهوری اسلامی ایران در چند سال اخیر قوی‌ترین موضع را درباره تحولات قفقاز داشته است مبنی بر اینکه به هیچ عنوان تغییر مرز قابل قبول نیست. این موضع به صورت رسمی و در جلسات متعدد به مقامات ارشد دو کشور ارمنستان و آذربایجان اعلام شده است. فداحسین مالکی

گزارش

بررسی آثار امضای سند آمادگی ارمنستان و آذربایجان برای صلح در کاخ سفید

حذف ایران و روسیه از قفقاز جنوبی

طرح صلح میان ارمنستان و آذربایجان در ۸ اوت ۲۰۲۵، که با میانجی‌گری دونالد ترامپ در کاخ سفید امضا شد، نه تنها به دهه‌ها منازعه بر سر قره‌باغ پایان داد، بلکه گامی استراتژیک برای کاهش نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی و تقویت جایگاه آمریکا در اوراسیا بود. خبر آنلاین نوشت؛ این توافق، همراه با تحولات جنگ اوکراین و منازعه ایران و اسرائیل، منافع ژئوپلیتیکی اسرائیل و اروپا را نیز تحت تأثیر قرار داده است. طرح صلح ارمنستان و آذربایجان، که در ۸ اوت ۲۰۲۵ با حضور نیکول پاشینیان و الهام علی‌اف در کاخ سفید امضا شد، نقطه عطفی در منازعه قره‌باغ و رقابت‌های ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی است. این طرح، که شامل ایجاد کریدور ترانزیتی «مسیر صلح و رفاه بین‌المللی ترامپ» (به اختصار TRIPP) است، به آمریکا امکان می‌دهد نفوذ خود را در منطقه‌ای استراتژیک تقویت کند، در حالی که روسیه، به دلیل جنگ اوکراین، و ایران، پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، تضعیف شده‌اند. همزمان، جنگ اوکراین و منازعه ایران-اسرائیل منافع متفاوتی برای اسرائیل (امنیت و تضعیف ایران) و اروپا (انرژی و امنیت) ایجاد کرده است. در این طرح قرار است جمهوری آذربایجان اصلی راز طریق خاک ارمنستان به استان برون‌بوم (سرزمین جدا افتاده) نخجوان متصل کند؛ مسیری که در آذربایجان «دالان زنگزور» و در ارمنستان «جاده سیونیک» نامیده می‌شود و سال‌ها بر سر آن مناقشه جریان داشته است. این توافق در پی دگرگونی‌های شتابان قفقاز جنوبی شکل می‌گیرد؛ جایی که جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۳ با عملیات برق‌آسا، کنترل منطقه مورد مناقشه قره‌باغ کوهستانی را به دست گرفت و به ۳۰ سال حاکمیت جدایی‌طلبان مورد حمایت ارمنستان پایان داد. این شکست – که پس از تلفات سنگین ارمنستان در جنگ پیشین با آذربایجان در سال ۲۰۲۰ رخ داد – ایران را واداشته تا جایگاه منطقه‌ای خود را، از جمله اتحادش با روسیه و خصومت دیرین با ترکیه، از نو بررسی کند.

اهداف طرح

به گزارش رویترز، طرح صلح به دهه‌ها منازعه بر سر قره‌باغ، که ۱۹۸۸ آغاز شده بود، پایان داد. این طرح شامل تعهد به توقف درگیری‌ها، بازگشایی روابط دیپلماتیک، و احترام به تمامیت ارضی دو کشور است. آمریکا با میانجی‌گری این توافق، به دنبال تثبیت قفقاز جنوبی به عنوان منطقه‌ای امن برای سرمایه‌گذاری و تجارت بود. محور اصلی طرح، ایجاد کریدور ترانزیتی «مسیر صلح و رفاه بین‌المللی ترامپ» است که آذربایجان را از طریق ارمنستان به نخجوان متصل می‌کند. به گزارش سی‌بی‌اس‌ان، این کریدور، که شامل خطوط راه‌آهن، نفت، گاز، و فیبر نوری است، تحت حقوق توسعه انحصاری آمریکا برای ۹۹ سال قرار دارد. این پروژه نه تنها تجارت منطقه‌ای را تقویت می‌کند، بلکه به آمریکا امکان دسترسی به منابع انرژی قفقاز و آسیای مرکزی را می‌دهد. به گزارش وچ‌وله، آمریکا محدودیت‌های همکاری نظامی با آذربایجان را (که از سال ۱۹۹۳ وضع شده بود) لغو کرد و توافق نامه‌های جداگانه‌ای با هر دو کشور برای همکاری در انرژی، تجارت و فناوری امضا نمود. این اقدامات به دنبال تقویت پیوندهای اقتصادی و نظامی با منطقه‌ای است که به طور سنتی تحت نفوذ روسیه بوده است. به گفته اسپرس، هدف اصلی آمریکا کاهش نفوذ روسیه، ایران، و چین در قفقاز جنوبی است. کریدور TRIPP امکان تجارت بین ترکیه، آذربایجان، و آسیای مرکزی را بدون عبور از ایران یا روسیه فراهم می‌کند، که به تضعیف اهرم‌های ژئوپلیتیکی این کشورها منجر می‌شود. در همین راستا اهداف آمریکا تلاش برای تقویت هژمونی و محدود کردن رقبا را افزایش داده است.

دور زدن روسیه

جنگ اوکراین نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی را به شدت کاهش داده است. شکست صلح‌بانان روسی در حفاظت از ارضی‌های قره‌باغ در ۲۰۲۳ و خروج آنها در ۲۰۲۴، به همراه مشکلات اقتصادی مسکو، توانایی روسیه برای میانجی‌گری در منطقه را تضعیف کرد. آمریکا با میانجی‌گری توافق صلح، جای خالی روسیه را پر کرد. این در حالی می‌کند، مسیرهای تجاری را از روسیه و ایران دور می‌کند. این کریدور ترکیه و آسیای مرکزی را به اروپا متصل می‌کند، که به کاهش وابستگی اروپا به گاز روسیه و تقویت نفوذ اقتصادی آمریکا در اوراسیا کمک می‌کند. چه آنکه آمریکا با تقویت روابط با آذربایجان و ارمنستان، به‌ویژه از طریق لغو محدودیت‌های نظامی و امضای توافق نامه‌های اقتصادی، پایگاه خود را در قفقاز مستحکم کرد. این اقدامات به آمریکا امکان می‌دهد در برابر نفوذ روسیه و چین در آسیای مرکزی ایستادگی کند.

اروپا و جنگ اوکراین

اروپا با کاهش وابستگی به گاز روسیه، به منابع انرژی قفقاز و خاورمیانه، از جمله از طریق کریدور TRIPP، روی آورده است. این کریدور به اروپا امکان دسترسی به گاز آذربایجان را می‌دهد. جنگ اوکراین، ناتو را هم تقویت کرده و کشورهای اروپایی مانند فنلاند و سوئد را به عضویت درآورده است. این امر امنیت شرق اروپا را در برابر روسیه افزایش داده است. همانگونه که اروپا با تحریم‌های گسترده و حمایت نظامی از اوکراین، نفوذ روسیه را محدود کرده است، به نفع امنیت قاره است.